

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در المیادین انگلیسی
نویسنده: کیت کلارنبرگ
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۷ جنوری ۲۰۲۵

رسمی: زمان رها کردن اوکراین فرارسیده است



کیت کلارنبرگ در مقاله‌ای به بررسی گزارش اخیر مجله TIME پرداخته و تأیید می‌کند که امریکا قصد دارد پس از استفاده از اوکراین به عنوان ابزاری برای جنگ نیابتی، این کشور را رها کند. او همچنین به سوءاستفاده غرب و تغییرات ژئوپلیتیک پیش رو اشاره می‌کند.

در تاریخ ۱۹ جنوری، مجله TIME مقاله‌ای منتشر کرد که به‌وضوح آنچه را که دانشگاهیان، فعالان ضدجنگ، روزنامه‌نگاران و محققان مخالف مدت‌ها استدلال کرده‌اند، تأیید می‌کند. امریکا از ابتداء قصد داشت اوکراین را پس از درگیر کردن این کشور در جنگ نیابتی با روسیه رها کند و هرگز تمایلی برای کمک به کیف برای شکست مسکو نداشته است. چه برسد به دستیابی به اهداف حداکثری همچون بازپس‌گیری کریمه یا بازگرداندن مرزهای ۱۹۹۱ این کشور. تأیید این واقعیت غیرقابل انکار توسط یک رسانه بزرگ جریان اصلی، یک تحول عظیم به شمار می‌رود. تنها پاراگراف اول این مقاله از افشاگری‌های جنجالی پر است. در این مقاله آمده است که وقتی جنگ نیابتی در فیروزی ۲۰۲۲ آغاز شد، جو بایدن، رئیس‌جمهور وقت امریکا، سه هدف را برای واکنش ایالات متحده تعیین کرد - و

«پیروزی اوکراین هرگز در میان این اهداف نبود». افزون بر این، عبارتی که مکرراً توسط مقامات کاخ سفید تکرار می‌شد مبنی بر این که واشنگتن از کیف «تا هر زمان که لازم باشد» حمایت خواهد کرد، هیچ‌گاه نباید به معنای واقعی کلمه برداشت می‌شد. این جمله صرفاً یک نوع زبان مبهم و عمدی بود که هیچ زمان‌بندی یا نتیجه خاصی را در نظر نداشت.

اریک گرین، یکی از اعضای شورای امنیت ملی بایدن که بر سیاست‌های روسیه نظارت داشت، اظهار داشت که امریکا «عمداً... هیچ تعهدی» به ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، برای «بازپس‌گیری تمام اراضی اشغال‌شده توسط روسیه» از ابتدای درگیری نداد، و «قطعاً» نه کریمه یا جمهوری‌های خودمختار دونتسک و لوگانسک. او گفت که کاخ سفید معتقد بود «چنین هدفی حتی با کمک گسترده غرب، فراتر از توانایی اوکراین بود.» مشخص بود که چنین تلاش‌هایی در نهایت برای کیف «موفقیت‌آمیز نخواهد بود»

دولت بایدن به گفته TIME سه هدف اصلی در اوکراین داشت که همگی «تحقق یافته‌اند». با این حال، این «موفقیت» در این جبهه‌ها «حتی برای برخی از نزدیکترین متحدان و مشاوران رئیس‌جمهور سابق نیز رضایت‌بخش نبود». گرین اظهار داشت که پیروزی ادعائی واشنگتن در اوکراین «متأسفانه نوعی موفقیت است که از آن احساس خوبی نمی‌کنید» به دلیل «رنج» کیف و «ابهامات فراوان درباره این که در نهایت این مسأله به کجا خواهد انجامید»

«درگیری مستقیم»

یکی از اهداف، «اجتناب از درگیری مستقیم میان روسیه و ناتو» بود. به شکل معجزه‌آسا، با وجود این که امریکا و متحدانش به‌طور مداوم خطوط قرمز تعیین‌شده توسط مسکو درباره کمک به کیف را زیر پا گذاشتند، و با وجود ارسال تسلیحات و حمایت‌های دیگر، بایدن صریحاً در مارچ ۲۰۲۲ از این مسأله جلوگیری کرد، چرا که ممکن بود باعث جنگ جهانی سوم شود. با این حال، جنگی تمام‌عیار تا کنون رخ نداده است. شاید از این منظر بتوان گفت که رئیس‌جمهور سابق موفق بوده است.

اما هدف دیگر این بود که «اوکراین به‌عنوان کشوری مستقل و دموکراتیک باقی بماند که بتواند به‌سمت ادغام با غرب حرکت کند.» این چشم‌انداز روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود، زیرا خط مقدم جنگ نیابتی به‌طور مداوم در آستانه فروپاشی کامل است. کیف بزودی و به‌طور اجتناب‌ناپذیر با شکستی بزرگ مواجه خواهد شد و این درگیری احتمالاً فقط بر اساس شرایط روسیه پایان خواهد یافت. زلنسکی – یا هرکس که جای او را بگیرد – در مذاکرات، موقعیتی برای چانه‌زنی نخواهد داشت.

بایدن همچنین می‌خواست «امریکا و متحدانش متحد باقی بمانند.» این هدف به‌طور آشکاری شکست خورده است و به‌طرز چشمگیری. همان‌طور که این روزنامه‌نگار مکرراً مستند کرده است، اطلاعات بریتانیا به‌طور مداوم تلاش کرده است تا این جنگ نیابتی را به جنگی تمام‌عیار میان غرب و روسیه تبدیل کند و کیف را به اهداف حداکثری‌اش تشویق کرده است، تا حدی که عملیات‌های بزرگی را به‌طور مخفیانه طراحی کرده و اوکراینی‌ها را برای اجرای آن آموزش داده است.

رسانه‌های غربی اذعان دارند که حمله فاجعه‌بار اوکراین به منطقه کورسک روسیه در اگست ۲۰۲۴، عملاً یک عملیات بریتانیایی بود. لندن تجهیزات گسترده‌ای را در اختیار کیف قرار داد که برای این تلاش «مرکزی» بود و مشاوره‌های نزدیک در زمینه ستراتیژی به هم‌تایان اوکراینی خود ارائه کرد. هدف این بود که نیروهای روسیه را از

دونباس دور کند و موقعیت مذاکره‌ای کییف را تقویت کند، اما این تلاش‌ها در هر دو جبهه شکست بزرگی خورد. با این حال، هدفی گسترده‌تر و بدخواهانه‌تر پشت این حمله وجود داشت.

بریتانیا به‌طور علنی و مشتاقانه نقش اساسی خود در شکست عملیات کورسک را تبلیغ کرد تا حمایت عمومی در داخل را برای ادامه جنگ نیابتی تقویت کند و «متحدان کلیدی را به کمک بیشتر ترغیب کند.» به عبارت دیگر، هدف این بود که دخالت آشکار غرب را عادی‌سازی کرده و همان «درگیری مستقیم» را ایجاد کند که دولت بایدن از آن اجتناب می‌کرد. لندن همچنین در خط مقدم فشار بر کشورهای عضو ناتو قرار داشت تا به اوکراین اجازه دهند از تسلیحات و تجهیزات تأمین‌شده خارجی در داخل خاک روسیه استفاده کند، اقدامی که می‌توانست جنگ تمام‌عیار مورد نظرشان علیه مسکو را رقم بزند.

چندین کشور غربی - از جمله ایالات متحده - چنین مجوزی را صادر کرده‌اند. با این حال، روسیه همواره به حملات عمیق در داخل قلمرو خود با ضدحملات سنگین پاسخ داده است که کییف توانایی دفع آنها را نداشته است. در همین حال، دعوت لندن از متحدانش برای دخالت آشکارتر در جنگ نیابتی به وضوح رد شده است. در نوامبر ۲۰۲۴، رسانه دولتی اوکراینکا پروادا تحقیقی شگفت‌انگیز منتشر کرد که به‌صورت دقیق نشان داد عملیات کرینکی (اکتوبر ۲۰۲۳ تا جون ۲۰۲۴) نیز اساساً همچون کورسک، یک عملیات بریتانیایی بود.

این عملیات که مقامات اوکراینی امروز هرگز درباره‌اش صحبت نمی‌کنند، در طول ۹ ماه، موج‌به‌موج تفنگداران بحری آموزش‌دیده و مجهز توسط بریتانیا را به تلاش برای تسخیر یک سرپل در روستائی در نزدیکی رودخانه‌ای در منطقه تحت کنترل روسیه در خرسون کشاند. این نیروها به‌دلیل ضعف آمادگی و در برابر آتش شدید توپخانه، پهپادها، شعله‌افکن‌ها و خمپاره‌ها، تعداد زیادی تلفات دادند. از میان کسانی که سفر کابوس‌وار را زنده ماندند، بسیاری دیگر در شرایط گل‌آلود و زیر حملات بی‌امان کشته شدند. شدت حملات روسیه به‌قدری بود که تخلیه مجروحان یا رساندن تجهیزات اولیه به نیروها عملاً غیرممکن شد.

بازماندگان این فاجعه - که یکی از بدترین شکست‌های نظامی تاریخ محسوب می‌شود - به اوکراینکا پروادا گفتند که امید داشتند این سرپل نقطه عطفی باشد، جبهه دومی در جنگ باز کند، و به نیروهای اوکراینی اجازه دهد تا به کریمه نفوذ کرده و زمینه پیروزی کامل در جنگ نیابتی را فراهم کنند. آنها امیدوار بودند عملیات مشابه فرود نماندی در جون ۱۹۴۴ را تکرار کنند. تصور پر کردن ذهن نیروهای اوکراینی توسط اطلاعات بریتانیا با چنین توهماتی چندان دشوار نیست.

«تصفیه حساب»

با گذر به امروز، بریتانیا و فرانسه آشکارا درباره اعزام «نیروهای حافظ صلح» به اوکراین صحبت می‌کنند تا «پایه‌های» هرگونه «توافق پسا‌جنگ» میان کییف و مسکو را تقویت کنند. این در حالی است که در فبروری ۲۰۲۴، امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه، پیشنهاد داد نیروهای کشورهای شورش برای متوقف کردن پیشروی مسکو به اوکراین اعزام شوند. این پیشنهاد به‌سرعت کنار گذاشته شد، زیرا مقامات روسیه به‌وضوح اعلام کردند که هر سرباز فرانسوی اعزام‌شده به خط مقدم بدون درنگ کشته خواهد شد و پاریس ممکن است به‌طور رسمی به یک طرف جنگ تبدیل شود. به نظر می‌رسد که طرح «حفظ صلح» نیز به همان سرنوشت دچار شود. در ۲۰ جنوری - به‌طور اتفاقی یا نه، روز تحلیف دونالد ترامپ - رادیو اروپای آزاد که توسط CIA تأسیس شده است، مقاله‌ای منتشر کرد که در آن توضیح داده شده بود چرا اعزام نیروهای اروپائی به اوکراین «غیرممکن» است. از جمله دلایل این بود که روس‌ها به‌وضوح در

حال پیروزی هستند و احتمالاً امتیاز چندانی نمی‌دهند، به‌ویژه این که اجازه دهند سربازان خارجی قلمرو کیف را اشغال کنند. علاوه بر این، «روسیه به‌عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند هر مأموریت حفظ صلحی را وتو کند.»

گوئی پیام به لندن و پاریس به اندازه کافی صریح نبود، دو هفته قبل از آن، در کنفرانسی مطبوعاتی در اقامتگاه مار-ئه-لاگو، ترمپ بارها تعهد خود به پایان جنگ نیابتی را تکرار کرد. او گفت: «ما باید با روسیه تصفیه حساب کنیم.» به‌طور قابل‌توجهی، رئیس‌جمهور همدلی خود با موضع «غیرقابل‌تغییر» مسکو مبنی بر عضویت نیافتن کیف در ناتو را ابراز کرد و هشدار داد که این وضعیت «ممکن است بدتر شود.» همچنین ابراز امیدواری کرد که این درگیری طی شش ماه خاتمه یابد.

نکته قابل‌توجه این است که زلنسکی به مراسم تحلیف ترمپ دعوت نشده بود. در مصاحبه‌ای با نیوزویک در ۶ جنوری، رئیس‌جمهور اوکراین – که معمولاً از فرصت‌های بین‌المللی استقبال می‌کند – گفت که «در دوران جنگ» شرکت در این مراسم «مناسب» نیست. جالب اینجاست که دونالد ترمپ جونیور، پسر ترمپ، روایت زلنسکی را رد کرد و ادعا کرد که او – که او را «آدم عجیبی» خواند – سه بار درخواست دعوت کرده و هر بار رد شده است.

برای برلین، کیف، لندن، پاریس و ناتو به‌طور کلی، پیام واضح‌تر از این نمی‌تواند باشد. هر توافق نظامی جدید، حتی آن‌هائی که به نظر می‌رسد مستقل هستند، مانند پیمان ۱۰۰ ساله اخیر بریتانیا و اوکراین، در نهایت کشورها را به وابستگی به ابرقدرت‌ها، به ویژه ایالات متحده، سوق می‌دهد. این وابستگی، چه از نظر مالی باشد چه نظامی، نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها در سایه امپراتوری‌های بزرگ‌تر عمل می‌کنند. مگر این که یک حادثه بزرگ و ساختگی رخ دهد، پیام ترمپ تنها می‌تواند در میان این ائتلاف نظامی شنیده شود.

[۲۵ جنوری ۲۰۲۵](#)